**سطوح حس مکان در فضاهای شهری**

**(نمونه موردی:پارک ساحلی دولت شهر بندرعباس)**

سحرکریمی سراحی **،** دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری،دانشگاه پیام نور بندرعباس،بندرعباس،ایران

Sense of place in the urban space

(Case Study: State Beach Park Bandar Abbas)

Sahar Karimi Srahy\_Danshjvy Master of Architectural Engineering, PNU Bandar Abbas, Bandar Abbas, Iran

ایمیل نویسنده مسئول: saharkarimiii74@gmail.com saharkarimiii74@gmail.com corresponding Author:

**چکیده**

ﺣﺲ ﻣﻜﺎن ﺑﻪ ﻣﻌﻨﺎي ادراك ذﻫﻨﻲ ﻣﺮدم از ﻣﺤﻴﻂ و اﺣﺴﺎﺳﺎت ﻛﻢ و ﺑﻴﺶ آﮔﺎﻫﺎﻧﻪ آﻧﻬﺎ از محیطﺧﻮد اﺳـﺖﻛـﻪ ﺷـﺨﺺ را در ارﺗﺒـﺎﻃﻲ دروﻧﻲ ﺑﺎ ﻣﺤﻴﻂ ﻗﺮار ﻣﻲ دﻫﺪ، ﺑﻪ ﻃﻮري ﻛﻪ ﻓﻬﻢ و اﺣﺴﺎس ﻓﺮد ﺑﺎ زﻣﻴﻨﻪ ﻣﻌﻨﺎﻳﻲ ﻣﺤﻴﻂ ﭘﻴﻮﻧﺪ ﺧﻮرده و ﻳﻜﭙﺎرﭼﻪ ﻣﻲﺷﻮد . اﻳﻦ ﺣـﺲ ﻋـﺎﻣﻠﻲ اﺳﺖ ﻛﻪ ﻣﻮﺟﺐ ﺗﺒﺪﻳﻞ ﻳﻚ ﻓﻀﺎ ﺑﻪ ﻣﻜﺎﻧﻲ ﺑﺎ ﺧﺼﻮﺻﻴﺎت ﺣﺴﻲ و رﻓﺘﺎري وﻳﮋه ﺑﺮاي اﻓﺮاد ﺧﺎص ﻣﻲﮔﺮدد،تا کنون نمونه مطالعات صورت گرفته در زمینه حس مکان در فضای شهری ،به صورت کلی و کیفی بوده و بین سطوح مختلف حس مکان با شاخص های سنجش متفاوت ،تمایزی قائل نشده اند. لذا در این پژوهش سعی شده به سنجش سطوح حس مکان در یک فضای شهری پرداخته شود. بسط مفهوم حس مکان در فضاهای شهری و مفهوم سازی آن درقالب یک مدل تجربی سنجش حس مکان و سنجش سطوح مختلف برپایه نظریه حس مکان شامای،ازاهداف کلیدی این پژوهش هستند.پرسش اصلی پژوهش عبارتست از:فعالیت ها چه تاثیری برحس مکان افراد در فضای عمومی شهری دارند روش تحقیق نیز با استفاده از روش استقرابی و قیاسی ومطالعات پیمایشی درپارک ساحلی دولت بندرعباس پرسشنامه ای متناظر با هر یک از بخش های مدل تجربی تنظیم شده وبین 100نفر از شهروندان حاضر در فضای نمونه تکمیل و به کمک نرم افزارspss تحلیل شده است و در نهایت راهبردهایی در جهت ارتقای میزان حس مکان در فضای شهری براساس نتایج مباحث مذکور،ارائه شده است.

**واژه های کلیدی** :حس مکان،حس تعلق به مکان،حس دلبستگی به مکان ،فضای شهری

Abstract

Sense of place means a subjective perception of the environment and feeling low and more conscious of their environment, which one's inner relation with the place, so that understanding and feeling with the field of semantic environment linked and integrated be. The sense that triggered transform a space into a place with sensory characteristics and special treatment for special people are, so far, examples of studies conducted in sense of place in the urban space as a whole and quality, and between different levels of a sense of place with indicators different measure, not distinction. The aim of this research is to assess the level of sense of place in an urban space. The key question is to what activities have an impact on people's sense of place in the urban public space. Analysis also using Astqraby measurements and studies survey in Seaside Park State Bandar Abbas questionnaire corresponding to each of the experimental model is set among 100 citizens in an atmosphere of complete software spss been analyzed and finally strategies to enhance the sense of place in the urban space based on the results of these discussions is presented.

Keywords:sense of place sense of place a sense of attachment to place urban space

**مقدمه**

مفهوم مکان و حس مکان امروزه از مهمترین مسائل پیش رو در فضاهای شهری بوده وچالش بسیاری از متخصصان شهری می باشد.حس مکان را میتوان درک افرااد از محیط هایی دانست که نسبت به محیط ،شناختی نسبی یا کافی دارند.وجود حس مکان در فضاهای شهری در واقع موجب شکل گیری رابطه خاص بین فرد و محیط می گردد.مفهوم حس مکان در مقیاس های گوناگون مورد بحث و ارزیابی قرار میگیرد:از سطح خانه شروع شده و به مقیاس های بزرگتر در حد محله منتهی می گردد.در این میان میتوان به این امر اشاره نمود که فضاهای شهری از جمله مهمترین بخش های شهرند که وجود حس مکان شهروندان نسبت به ان ها از جمله مهمترین و ارزشمند ترین معیار های ارزیابی این فضاها به شمار میروند (Relph, 1976). شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق به مکان ،دلبستگی به مکان وتعهد به مکان را با هفت سطح تعیین میکند.این سطوح از حس مکان ،کاربرد وفرایند حس مکان را نشان میدهند که از بی تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان راشامل می شود.(shamai1991) تاکنون بین سطوح مختلف حس مکان با شاخص های سنجش متفاوت،تمایزی قائل نشده اند، مطالعات نظریه سطح بندی هفتگانه شامای نیز به صورت کیفی بوده و شاخص های مربوط به هر سطح را مشخص نکرده است. لذا نحوة سنجش سطوح حس مکان بدعت اصلی این مقاله به شمار میرود.

**بیان مسئله**

اصطلاح حس مکان از ترکیب دو واژه حس و مکان تشکیل شده است.واژه حس در فرهنگ لغات آکسفورد سه معنای اصلی دارد :نخست یکی از حواس پنگانه ،دوم احساس عاطفه و محبت ،سوم توانایی در قضاوت درباره یک چیز انتزاعی.اما واژه حس در این اصلاح بیشتر به مفهوم عاطفه ،محبت،قضاوت وتجربه کلی مکان یا توانایی فضا در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است.(Low Altman 1992)یکی از مؤثرترین ویژگی های مکان که سبب ارتقای دلبستگی به مکهان می گردد ، فعالیت و تعاملات بین انسان\_مکان و انسان\_انسان در آن مکان است .نوع فعالیت های مکان سبب کسب معنا از مکان می گرددوکسب معنا،خود زمینه ساز دلبستگی به مکان است .به عنوان مثال مطالعات نشان می دهد دلبستگی به مکان درفضاهای شهری ،باوجود رویدادها و مراسم دوره ای یا فعالیت های مداوم وحاکم برمکان تقویت می گردد.چنان که در برخی مطالعات بین فرهنگی ،برگزاری فستیوال ها،جشن ها و فعالیت های ورزشی سازمان یافته در فضای شهری ،بیش از هرچیز جلب فرهنگ های مختلف به این فضاها ،موثر ارزیابی گردیده اند .قابل ذکر است که در عین حال رابطه ای دوسویه بین فعالیت ها سبب ارتقا حس دلبستگی به مکان گردیده و به طور متقابل این احساس خود سبب مشارکت افراد در فعالیت های اجتماعی و نیز تداوم آن ها در مکان می گردد.(Low Altman 1992) هرچه نیازها و توقعات در مکان برآورده گردد، احتمال توسعه رابطه عاطفی مطلوب تر با آن نیز افزایش مییابد . نظریه دلبستگی به مکان حاکی از آن است که افراد دلبستگی خود را با مکان بر اساس انتظارات خود که مبتنی بر تجارب قبلی آنها از مکان های مشابه و فرایند شناختی آنهاست توسعه میدهند که رضایتمندی در مکان نیز خود به عواملی چون: تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، پایداری، مشخصات بصری، مدیریت، ارزش اقتصادی مکان ،تجسم ساکنین از واحد های مشابه و بافت اجتماعی مکان(marcus 1992) فضاهای عمومی شهری مکان هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته و با حضور انسان و فعالیت های اوست که معنا می یابند وبیشتر از آن که دارای نقشی کالبدی باشند به دلیل ایجاد تعامل اجتماعی میان شهروندان واچد اهمیت هستند (کاشانی جو ،1389).انسان ،مکان و تعاملی که بین این دو صورت می پذیرد از عوامل تاثیر گذار در شکل گیری فرایند حس مکان است.براین اساس ویژگی های انسان ر ،سنت و مذهب و همچنین مشخصه های مکان شامل عوامل کالبدی ،عوامل بصری ،فعالیتی ویا معنایی مکان)که برشکل گیری ارتباط متقابل انسان و مکان تاثیرگذارند ،می توانند موجب ارتقا دلبستگی انسان به مکان شوند .(Low Altman 1992) در اینجا به بسط بیشتر نظریات و مفاهیم مرتبط با حس تعلق مکان و سطوح مختلف آن پرداخته می شود

**مبانی نظری**

دراین قسمت مطالعات ابتدا به بیان رابطه نمادین میان انسان و محیط و سپس به عوامل شکل دهنده حس مکان پرداخته می شود و پس از تدوین چارچوب نظری پژوهشی،روش سطح بندی حس مکان برپایه نظریه شامای ارائه می شود.

**شش نوع** را**بطه نمادین میان** ا**نسان و محیط (Low Altman 1992)**

**1. ارتباط تبارشناسانه:** این گونه ارتباط انسان و محیط از طریق شناسایی تاریخی مکان ، خانواده یا جامعه صورت می گیرد. این ارتباط معمولا در جوامعی رخ می دهد که در آن رابطه ساکنین و محیطشان در زمان های طولانی برقرار بوده است.

**2. ارتباط به واسطه از دست رفتن سرزمین :** این رابطه تعلق مکانی به واسطه از دست دادن مکان و تجدید خاطره با فرایند آفرینش مجدد مکان ایجاد می گردد.

**3.** **ارتباط اقتصادی :** این رابطه به واسطه مالکیت یا میراث به وجود می آید ،در این گونه رابطه چون زمین عاملی اقتصادی است و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی فرد ،اغلب با میزان مالکیت زمین بستگی دارد و تعلق به مکان فرد را به صورت اجتماعی و سیاسی و نه به صورت شجره شناختی به مکان مرتبط می کند.

**4.** **رابطه کیهان شناختی:** در این رابطه تعلق مکانی به واسطه تطابق میان اسطوره ها و نماد ها از طریق مناسبات مذهبی ،معنوی یا اسطوره شناسی به وجود می آید.

**5.** **ارتباط زیارتی :** زیارت یک مکان به معنای تمایل به دیدار دیگران و مشارکت در مراسم است که نوع خاصی از تعلق مکانی است . معمولا در زیارت تجربه مکان موقتی است ولی حس مکان به دلیل اهمیت مذهبی \_معنوی یا اجتماعی \_سیلسی مکان ،مدت های مدید دوام می یابد ،زیارت مستلزم تغییری در آهنگ حیات فرد و تجربه یک محیط جدید است و بدین سان خلق همذات پنداری و تعلق فرد به مکان می شود.

**6.** **ارتباط روایتی :** در این رابطه فرد به واسطه انسان ها ،داستان ها و نام گذاری روی مکان با سرزمین و فضا آشنا می شود و پس از گذشت زمان به آن سرزمین احساس تعلق می کند.

**عوامل شکل دهنده حس مکان**

عوامل شکل دهنده حس مکان را میتوان در دو گروه عوامل شناختی و کالبدی به صورت زیر بیان کرد.

**1. عوامل ادراکی و شناختی**

چنان که گفته شد حس مکان ترکیبی است پیچیده از معانی ،نماد ها و کیفیت هایی که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه ای خاص ادراک می کنند.(shamai 1991) معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط فرد رمز گشایی می شود از عوامل ایجاد حس مکان هستند.در این صورت حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست ،بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات ،اشخاص، اشیاء و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا میکند .از این رو افراد بدون حس مکان قادر به زندگی در محیطی خاص نیستند ،چرا که حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حس خاص نسبت به کلیت مکان است و با این حس ،مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم ،اشخاص وسایر موضوعات موجود در آن را تامین می کند .در این مفهوم حس به معنای احساس مرحله قبل از ادراک نیست بلکه به معنای عاطفه یعنی مرحله پس از شناخت است.به این ترتیب مکان ها در افراد مختلف حس های متفاوتی ایجاد می کنند و نقش وتجارب گذشته انسان ها را در دریافت این حس موثر است.فضایی که در فرد جس مکان و تعلق ایجاد می کند دیگر برای او فضا نیست و تبدیل ب یک مکان می شود .در این صورت مکان کلیتی می شود که مردم تمام فعالیت ها و اتفاقات را با آن می شناسند ،مثلا مردم وقتی که به مسجدی وارد می شوند با مکان مسجد مواجه می شوند نه با اشکال مجرد مردم ،نماز و فضا و همین توانمندی مکان است که درورای اجزا و فعالیت ها موجب احساس تعلق به مکان مسجد می شود. تعلق به اجتماع نیز از عوامل موثر در ایجاد حس مکان است چنان که هیومن حس مکان را شامل تعلق به اجتماع و حس محلی تعریف کرده است. از نظر او حس مکان ادراک فردی مردم از محیط خود و احساسات کم و زیاد آگاهانه آن ها از آن محیط است. حس مکان شخصی را به گونه ای با محیط پیوند می دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی محیط به یک پارچگی می رسد. (Hummon 1992)

**2. عوامل کالبدی**

از نظر فریتز استیل مهم ترین عوامل کالبدی موثر در ادراک و حس مکان ،اندازه مکان،درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است. .(steele 1981)او همچنن خصوصیاتی نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می داند. از نظرسالواسن حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می آید که هر کدام از آن ها به تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عوامل ختلفی چون بی حوصلگی، یکنواختی ساختمان ها و ظهور عصر دیجیتالی تهدیدی برای حس مکان به حساب می آیند(salvesen 2002)از نظر اوشخصیت کالبدی،مالکیت، اصالت، اکنین و وسایل رفاهی ،طبیعت مانند آب ،گیاهان،آسمان، خورشید و فضای خصوصی و جمعی؛اجزای تشکیل دهنده مکان هستند، که در خلق حس مکان موثرند. از نظریان زو ساختار های معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه هایی از کیفیات خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند(Xu 1995).و حس مکان به نگرش ها ، جهان بینی ها و پیوند افراد با مکان مانند نام مکان ،حکایات مربوط به مکان، تجربه های مکان و پیوند های معنوی با مکان بستگی دارد. او سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی،ادراک محیط بصری و همچنین قرارگاه رفتاری با محیط بصری می داند.از نظر نوربرگ شولتز حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیز های ملموس ساخته شده که دارای مصالح ،شکل،بافت و رنگ است.(Norberg schulz 1997)

جدول1- چهارچوب نظری مربوط به هر مفهوم پژوهش

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **محور های کلیدی تعریف** | **نظریه پرداز** | **مفهوم** |
| فرد نیز در گذر زمان خود را بامکان تطبیق داده وبا آن هم ذات پنداری می کند. | شولتز | مکان |
| چگونگی فعالیت های مردم در کیفیت تاثیر محیط برآن ها اثرگذار است. | استیل |
| -تاکید بر نقش مولفه های اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری محیط کالبدی-محیط را به مجموعه ای از عناصر کالبدی ثابت،نیمه ثابت و متحرک تقسیم می نماید. | راپاپورت |
| تمام بخش های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند،در بر می گیرد. | تییالدز | فضای عمومی |
| استفاده از این فضاها،یکی از مهم ترین مشخصه های موفقیت آن است. | وایت |
| موفقیت های فضاهای عمومی بیرونی بستگی به فراوانی مردمی که از مکان دیدن می کنند و همچنین ملاقات های بعدی آنان دارد. | کرمونا |
| فعالیت ها رابه سه دسته اجباری/فعالیت های انتخابی/فعالیت های اجتماعی تقسیم می کند. | گهل | فعالیت ها |
| با اشاره به درجات مختلف حس مکان ،به وجود تفاوت معنایی در درجات این حس تاکید کرده و نوعی ارتباط اجتماعی عمیق بین محیط و فرد را به عنوان بعدی از حس تعلق اشاره می نماید. | هاموم | حس مکان |
| حس مکان می تواند قوای بینایی،شنوایی،لامسه،جنبش و تحرک،بساوایی،مفصود و غایب وپیش بینی را در هم آمیزد. | رلف |
| مهم ترین عوامل عملکردی موثر در ادراک وحس مکان ،عوامل برآورده کننده نیاز انسان مانند اندازه مکان ،درجه محصوریت،تضاد،مقیاس انسانی،بافت،رنگ،بو و تنوع بصری موثر هستند. | استیل |
| حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت محیطی از چیزهای ملموس اند وشخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح،شکل،بافت ورنگ است. | شولتز |
| سه متغییر اصلی حس مکان،خوانایی،ادرک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری است. | زو |
| رابطه با مکان را به صورت های زندگی نامه ای،معنوی،عقیدتی،روایتی،مادی و وابستگی اجباری دسته بندی می کند که با عواملی مانند هویت،درونیت و رضایت مندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می کنند. | کراس |
| به واسطه عاطفه ،شناخت و تجربه فرد نسبت به مکان و براساس ویژگی های فردی ،گروهی ،فرهنگی و اجتماعی ایجاد می شود. | الو و آلتمن | حس دلبستگی مکان |
| این مفهوم از خصوصیات محیط فیزیکی و ارزیابی آن ها توسط بهره برداران ایجاد می شود و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. | رایلی |
| دلبستگی به مکان برخاسته از فعالیت ها و تعاملات بین انسان\_مکان و انسان\_انسان در یک مکان خاص است. | شوماخر |
| دلبستگی به مکان درچارچوب فرآینداجتماعی و روان شناختی بین فرد و مکان پدید می آید و نتیجه اش علاقه نسبت به مکان است. | بنیتو |
| تعلق به مکان سطح بالاتری ازحس مکان است که درآن انسان خود را جزئی از مکان می داند و مکان برای او قابل احترام می شود. | استیل | حس تعلق مکان |
| تعلق به مکان ورای تجربیات احساس و قابل درک و شامل اعتقادات فرهنگی و فعالیت هایی است که انسان را به محیط پیوند می دهد. | کراس |
| تعلق مکانی در جایی است که جایی است که مردم تمایل به ماندن دارند وجایی که آنها احساس راحتی و امنیت دارند. | هرناندز |

**سطح بندی حس مکان برپایه نظریه شامای**

شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی 1-تعلق به مکان 2-دلبستگی به مکان 3-تعهد به مکان. را با هفت سطح تعیین می کند. این سطوح از حس مکان، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می دهد که از بی تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را به ترتیب زیر شامل می شود:

بی تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان،تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان،حضور در مکان،فداکاری برای مکان.(shamai 1991)

**1- بی تفاوتی نسبت به مکان:** این سطوح معمولا در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی شود ولی می تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد.

**2- آگاهی از قرارگیری در یک مکان:** این سطح هنگامی است که فرد می داند که در یک مکان متمایز زندگی می کند و نماد های آن مکان را تشخیص می دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی داند که بخشی از آن مکان است.در این سطح آگاهی از مکان فراتر از یک آدرس یا موقعیت نیست.

**3- تعلق به مکان:** در این سطح فرد نه تنها از نام و نماد های مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد. در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ می دهد ،برای فرد نیز مهم است.(shamai 1991)

**4-دلبستگی به مکان:** در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده ای با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نماد ها به مکان شخصیت می دهد، در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان ها تاکید می شود.

**5-** **یکی شدن با اهداف مکان:** این سطح نشان دهنده درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیاز های مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده ، با آن ها منطق شده و از آن ها پیروی می کند، در فرد شور،عشق، حمایت و از خود گذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.

**6-** **حضور در مکان:** این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه دارد. در مقابل تمامی سطوح قبل که مبنای نظری نداشتند، این سطح و سطح بعدی از رفتارهای واقعی افراد برداشت می شدند.فرد معمولا این سطح را به طور ضمنی با سرمایه گذاری منابع انسانی مثل زمان، پول و غیره نشان می دهد.

**7-** **فداکاری برای مکان:** این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری های زیادی در جهت گرایات،ارزش ها ،آزادی ها و رفاه در موقعیت های مختلف از خود نشان می دهد. در این سطح آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگتری نسبت به مکان وجود دارد. از نظر رلف، عمیق ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه به وجود می آید و طی آن انس و آشنایی با مکان از بخش هوشیار آگاهی محو می شود. رلف این وابستگی را ریشه داری می نامد. او هفت درجه از بیرونیت و درونیت را برای حس مکان بیان می کند که شامل طیف وسیعی از خود بیگانگی و بی خانمانی تا تعلق به مکان و هویت عمیق و کامل با یک مکان می شود.(Relph 1976)

لازم به ذکر است در این مطالعه و در بخش سنجش حس مکان با توجه به جامعیت این نظریه و سطح بندی کامل حس مکان و در ذیل آن حس دلبستگی مکان و تعلق مکان، مبنای پژوهش برنظریه شامای قرار گرفته است. متغییر ها در سنجش حس مکان، بر اساس آنچه ذکر شد، استخراج شده اند و متناسب با 7 سطوح حس مکان در نظریه شامای، این متغییرها در هر سطحی جای داده شده اند و برای سنجش هر سطح سوالات ویژه ای در نظر گرفته شده است؛ مثلا اگر شخصی حاضر است زباله ای را روی زمین بردارد و یا برعکس به آن بی اعتنا باشد یا اینکه آیا حاضر است شرایط بد آب و هوایی را بخاطر ماندن در آن مکان تحمل کند؟ (سطح 7) . اگر احساس تفاخر به محیط دارد (سطح 6) به طور نسبی امتیازی در مدل تجربی به دست آمده است. جدول شماره 2 به طور خلاصه متغییر ها و سطوح مربوطه را نشان می دهد.

جدول 2- متغییر های متناظر سطوح هغتگانه حس مکان

|  |  |
| --- | --- |
| **متغییرها** | **سطوح هفتگانه حس مکان** |
| -احساس اضطراب در مکان -فعالیت اجباری(مثل عبور کردن،خرید کردن،محل کار) | 1 |
| -میزان آشنایی با مکان/ نداشتن حس غربت -حفظ حریم خصوصی افراد-خوانایی مکان/ گم نشدن در محیط -ایمنی -دسترسی | 2 |
| -خود را متعلق به فضا دانستن -راحتی-فعالیت انتخابی (مثل قدم زدن) -امنیت -همه شمول بودن محیط برای زنان،کودکان،سالمندان | 3 |
| -تمایل به پول خرج کردن در محیط -وجود خاطرات خوب از محیط(به قصد تفریح) -وجود علایق مذهبی به مکان -احساس محبت و عشق به مکان -جاذبه تاریخی و فرهنگی محیط-فعالیت اجتماعی(مثل معاشرت با مردم) | 4 |
| -تمایل به ماندن در مکان/ وقت سپری کردن -جاذبه فعالیت ها-داشتن رفتارهای مشارکت جویانه در محیط -تجارب و خاطره خوب جمعی-چیرگی اجتماعی/ پسندیدن جو اجتماعی -وجود مراسم و رخدادهای جذاب درمحیط(اکثریت مردم) -انعطاف پذیری/ قابلیت مکان برای انجام فعالیت های مختلف-تنوع فعالیت ها | 5 |
| -احساس غرور و تفاخربه مکان -زیبایی/ بافت، نور و رنگ، تزئینات مکان-اجتماع پذیری/ تعامل با دوستان | 6 |
| -تحمل شرایط بد آسایش -انداختن زباله هایی که در محیط بینند در سطل زباله | 7 |

**روش پژوهش**

برای رسیدن به اهداف پژوهش درگام اول با روش توصیفی کلیه مبانی، نظریات و نمونه تجارب در زمینه بررسی ارتقای حس مکان و سطوح مختلف آن در فضای عمومی شهری بررسی شده است. در مرحله بعد با تمرکز برعوامل عملکردی ، با استفاده از روش استقرابی و قیاسی و مطالعات پیمایشی به سنجش عوامل در نمونه موردی منتخب برای مطالعه پرداخته شده است. دربخش عینی پس از برداشت داده های مورد نیاز در فضاهای شهری مورد مطالعه و در زمان های مختلف روز، تجزیه و تحلیل صورت می گیرد. در بخش ذهنی نیز پس از استخراج متغییرهای مورد سنجش مانند مشخصه های فردی، علت و مدت حضور،نوع و میزان و فعالیت ها و....،به کمک مشاهده و همچنین رویکرد مشارکتی و مداخله نظرات افراد پیاده حاضر در محدوده های مطالعاتی سنجیده می شدند. سپس بخشی از نتایج پرسشنامه ها نیز با استفاده از نرم افزارspss مورد سنجش و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و بخش دیگر با تحلیل های کیفی توسط محقق بررسی می شود. ، اطلاعات بدست آمده به سنجش سطوح مختلف حس مکان، پرداخته خواهد شد.برای تهیه پرسشنامه ها بر اساس مدل تجربی، متناظر با هر بعد،معیار و زیرمعیارسوالاتی تنظیم شده است.100پرسشنامه در محدوده مورد مطالعه تکمیل شده است.

**محدوده مورد مطالعه**

مطالعات میدانی این پژوهش شامل فضای شهری واقع در ساحل شهر بندرعباس ، به نام پارک ساحلی دولت میباشد.پارک ساحلی دولت یکی از مهم ترین و قدیمی ترین پارک های ساحلی شهر بندرعباس است که بین دو پارک ساحلی به نام های پارک غدیر و پارک دولت قرار دارد. فضای پارک نسبتا وسیع است، طول این پارک ساحلی حدود 3/1کیلومتر میباشد. این پارک از مراکز تفریحی و شادکننده شهر ساحلی بندرعباس در استان هرمزگان می باشد که دارای سرویس بهداشتی ، مسجد و آب برای شستشو و آلاچیق های متعدد میباشد.همچنین از امکانات رفاهی این پارک میتوان از وسایل ورزشی،میز پینگ پنگ و قهوه خانه نام برد و در انتهای پارک پیست کارتینگ خلیج فارس و پارک کودکان نیز قرار دارد. مردم این شهر زمان زیادی از اوقات فراغت خود را در این پارک میگذارند.

**یافته های پژوهش و تحلیل آنها**

در این بخش نتایج داده های جمع آوری شده در پرسشنامه های پژوهش با استفاده از نرم spssافزار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول3- اولویت بندی سطوح حس مکان در نتایج پژوهش

|  |
| --- |
| پارک ساحلی دولت بندرعباس |
|  | سطوح هفتگانه حس مکان | درصد | اولویت بندی سطوح در نتایج |
| بی تفاوتی نسبت به مکان | 1 | 25% | 6 |
| آگاهی از قرار گیری در یک مکان | 2 | 42% | 5 |
| تعلق به مکان | 3 | 53% | 7 |
| دلبستگی به مکان | 4 | 65% | 4 |
| یکی شدن با اهداف مکان | 5 | 78% | 3 |
| حضور درمکان | 6 | 90% | 2 |
| فداکاری برای مکان | 7 | 75% | 1 |

در واقع از طریق جدول و نمودار مذکور فرآیند شدت حس تعلق مکانی را در یک فضای شهری نمونه موردی (پارک ساحلی دولت بندرعباس )شفاف میسازد. همانطور که در جدول و نمودار فوق مشاهده میشود برآیند درصد های به دست آمده برای سطوح هفتگانه حس مکان در فضای شهری مورد نظر هرچه از سطح یک به سمت سطح شش حرکت میکنیم میزان حس تعلق مکانی نیز افزایش میابد ولی در سطح هفت میزان حس تعلق مکانی کاهش می یابد و نتایج از سطح یک تا شش روند صعودی را در پیش دارد و حس تعلق به مکان افزایش می یابد. مردم در این مکان به دلیل همه شمول بودن محیط برای زنان، کودکان، سالمندان و احساس امنیت و راحتی ،خود را متعلق به فضا می دانستند و از اینکه خاطرات خوبی را در این مکان دارند و احساس محبت و عشق را در مکان حس میکنند به آن افتخار می کنند. جو اجتماعی محیط را می پسندند ولی چون به دلیل تفریح به مکان شهری مورد نظر آمده اند ، شرایط نا مناسب آسایش محیط را تحمل نمی کنند اما نظافت محیط برایشان اهمین دارد و حتی به صورت خودجوش زمان هایی را معین کرده و به صورت گروه بندی شده زباله ها را از ساحل دریا و پارک جمع آوری می کنند. با توجه به متغییر های هر سطح و نمودار مذکور میشود مشکلات و نقاط ضعف فضای مورد نظر را تشخیص داد و در بهبود آن تلاش کرد . مثال میتوان جاذبه های فرهنگی مربوط به سطح چهار را افزایش داد و یا به کمک ایجاد دسترسی مناسب و خوانایی سطح یک و دو را ارتقا داد.

**تصاویر پارک ساحلی دولت بندرعباس**

 

**نتیجه گیری**

بر اساس مطالعات صورت گرفته حس مکان می تواند در سطوح مختلف از بی تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری در مکان بصورت قابل سنجش دسته بندی شود. در مطالعاتی که در فضای شهری مورد نظر انجام گرفت نیز مشخص شد که هفت سطح حس مکان با تعیین شاخص های مربوطه قابل اندازه گیری است. همچنین نتایج مطالعه نشان داده که در پارک ساحلی دولت احساس اضطراب برای برخی از افراد به دلیل وجود تعدادی حیوان سگ که برخی از آن ها اهلی نیستند ایجاد کرده ، مسئولین فضای شهری باید این موضوع را در راس اهمیت برای ایجاد امنیت و احساس آرامش برای شهروندان خود قرار دهد. مسجد نیز که از فضای مذهبی این پارک محسوب میشود فاقد وضوخانه است که باید در جهت بهبود کالبد و ارتقای هویت مذهبی و اجتماعی نیز اقداماتی صورت بگیرد. وجود فضای بازی کودکان ، پیست کارتینگ، آلاچیق های متعدد در فضای باز بسیار مناسب است ، برنامه ریزان و طراحان شهری می توانند در جهت فضای شاد و لذت بخش این فضاها را ارتقا ببخشند. شهروندان از فعالیت های غیر ثابت موجود در فضای باز پارک مانند نمایشگاه ها ، برنامه های مناسبتی که توسط شهرداری منطقه برگزار می گردد، لذت میبرند. وجود این نوع فعالیت ها باعث حس تعلق مکانی شهروندان می شود و اما وجود مجسمه هایی که ویت شهروندان بندری را به نمایش می گذارد ، احساس غرور و افتخار به مکان را در شهروندان ایجاد میکند. با وجود کف سازی های ویژه ، نیمکت های متععد، تفکیک پیاده رو از دوچرخه سواری و آلاچیق ها در فضای مناسب ، این نوغ فضا ها تمایل خانواده ها را به ماندن در مکان و وقت سپری کردن مربوط به سطح پنج را افزایش می دهد. وجود قهوه خانه ای در این پارک امکان تعامل با دوستان را برای شهروندان ایجاد کرده اما از نظر برخی از شهروندان بسیار محصور و دلگیر است . ایجاد قهوه خانه ای به صورت نیمه باز و استفاده از منظره دریا می تواند حس تعلق به مکان را در افراد افزایش دهد.

**منابع و مآخذ**

**Hummon, David** (1992),"Community Attachment: Local Sentiment & Sense of Place", Plenum, New York.

**Low, M. & Altman,** I. (1992). Place attachment: a conceptual inquiry, In Low, S.M. and Altman, I. (Eds.), Place Attachment (pp. 1-12). New York: Plenum Press.

**Marcus, C.C.** (1992). Environmental memories. In Low, S.M. and Altman, I. (Eds.), Place Attachment, New York: Plenum Press.

**Norberg-Schulz, Christan** (1997)," The Phenomenon of Place", Princton Architectural Press, New York.

**Relph, Edward** (1976). Place and placelessness. London: pionnt.

**Steele, Fritz** (1981)," The Sense of Place", CBI Publishing Company, Boston.

**Salvesen, David** (2002),"The Making of Place"; Research on Place & Space Website, 20 Feb. 2003, 12 Mar. 2003, <http://www.matr.net/print-4108.html>.

**Shamai, Shmuel** (1991). Sense of place: An empirical measurement. Geoforum, 22(3), 347-358.

**Xu, Yan** (1995), "Sense of Place and Identity", Research on Place & Space Website; 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003; <http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/repots/yards/main.html>.